

کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه

سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۹۴ هـ ش / ۱۴۳۷ هـ ق / ۲۰۱۶ م، صص ۱-۱۷

سیمای امام رضا (ع) در آینه شعر دعبل خزاعی و نظیری نیشابوری^۱

علی‌اکبر احمدی چناری^۲

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه زابل، ایران

پریسا احمدی^۳

دانشجوی کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه زابل، ایران

چکیده

شاعران فراوانی در گستره ادب عربی و فارسی سعی کرده‌اند، مناقب و فضائل خاندان عصمت و طهارت را در شعر خود بازتاب دهند و آن‌ها را به عنوان الگوهای متعالی بشری معرفی کنند. دعبل بن علی خزاعی، شاعر مداح اهل‌بیت در روزگار عباسیان و نظیری نیشابوری، شاعر ایرانی سبک هندی، در بخشی از سروده‌هایشان، تبیین صفات انسانی و ترسیم جنبه‌های مختلف شخصیت امام رضا (ع) را به عنوان تعهد و رسالت ادبی خود برگزیده‌اند. پژوهش حاضر، تلاش می‌کند با رویکردی توصیفی - تحلیلی، هم‌سویی دو شاعر در این زمینه را مورد خوانش تطبیقی قرار دهد. یافته‌های پژوهش نشان از آن دارد که امام (ع) در نگاه دو شاعر، نمونه واقعی انسان کامل در صفات انسانی هستند. تعهد دعبل نسبت به بزرگداشت و دفاع از اهل‌بیت در شعرش به مراتب بیش از نظیری است و هر دو، شعر متعهد خود را ابزاری برای شفاعت خواهی از امام در روز جزا قرار داده‌اند.

واژگان کلیدی: دعبل خزاعی، نظیری نیشابوری، شخصیت امام رضا (ع)، شعر متعهد، ادبیات تطبیقی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۵

۲. رایانامه نویسنده مسئول: ahmadichenari54@yahoo.com

۳. رایانامه: parisahmadi66@yahoo.com

۱. پیشگفتار

با گسترش روزافزون ارتباطات بین ملت‌ها در جوامع مدرن، به جهت ایجاد هم‌دلی و هم‌زبانی هر چه بیشتر بین فرهنگ‌ها و شناسایی ریشه‌های مشترک آثار ادبی، دانشی جدید در حوزه علوم انسانی ظهور کرد که از آن با عنوان ادبیات تطبیقی یاد می‌شود. «ادبیات تطبیقی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، ابتدا در اروپا رواج یافته و بعدها در مشرق‌زمین نیز مطرح گردیده است» (منوچهریان، ۱۳۹۰: ۲۰۹). ادبیات فارسی و عربی به حکم هم‌جواری ایران و سرزمین‌های عربی از دیرباز با یکدیگر داد و ستد نموده‌اند. ادبیات فارسی در زمینه درون‌مایه‌های دینی و امدار ادبیات عربی است و «ادبیات اسلامی ایران، از ادبیات عربی، اقتباس فراوانی کرده است» (کفافی، ۱۳۸۲: ۲۰).

یکی از جنبه‌های مهم این اقتباس، اثرپذیری محتوایی و ساختاری از مدایح و مرثیه‌هایی است که در ستایش امامان معصوم و اهل‌بیت (ع) سروده شده است. سروده‌هایی از این دست در حوزه شاخه‌ای از ادبیات اسلامی به نام ادبیات متعهد اهل‌بیت قرار می‌گیرند. «در میان انبوه این قبیل اشعار، نام شاعران بنام و آگاهی چون سید حمیری، کمیت بن زید اسدی و دعبل خزاعی درخشش ویژه‌ای دارد» (جعفریان، ۱۳۸۲: ۷۸). دکتر زرین کوب، ناقد بزرگ ایرانی درباره اهمیت و جایگاه این گونه شعری می‌گوید: «شعر دینی به طور عام - و مدایح مذهبی به طور خاص - تأثیری شگرف و قابل اعتنا در روح و جان مخاطبان حقیقی شعر گذارده و وسیله‌ای بوده است برای ترویج اعتقادات و مفاهیم والای انسانی و ایمانی، به طوری که اثری که اشعار تعلیمی، دینی، اخلاقی و اجتماعی در اذهان مستعد دارند، نمی‌توان انکار کرد؛ همین نکته است که سرپیدایش این گونه اشعار را توجیه کرده و توسعه آن‌ها را ناگزیر می‌ساخته است» (زرین کوب، ۱۳۶۳: ۱۱۳).

«مثل اعلاء این چنین انسان‌هایی در نخستین مرحله، پیامبر گرامی اسلام (ص) و سپس امامان معصوم (ع) هستند که چراغی فروزان برای همیشه بشریت به شمار می‌آیند. به همین دلیل هم در پهنه شعر فارسی، کمتر شاعری را می‌توان یافت که قصیده یا ترکیب و ترجیعی را در ستایش پیامبر اسلام و ائمه معصومین سروده باشد و چنین به نظر می‌آید که شاعران، این کار را زکات طبع و قریحه خود به شمار می‌آوردند و از گزاردن آن به عنوان یک وظیفه محتوم دینی، غفلت نداشته‌اند» (صفا، ۱۳۷۸: ۶۲۲). دعبل بن علی خزاعی، شاعر پرآوازه عرب که در راه نشر فضیلت‌های اهل‌بیت (ع) در

طول زندگی اش جان بر کف گرفته بود، الگوی والای شاعران اسلامی در این گونه ادبی شناخته می شود. نظیری نیشابوری، شاعر سبک هندی ایرانی نیز ارادت خود را به اهل بیت (ع) در قالب سروده‌هایی نغز نشان داده که از جمله آن‌ها، قصیده‌ای در مدح امام رضا (ع) است.

جستار حاضر تلاش می کند، جنبه‌های مشترک شخصیت امام رضا (ع) را در شعر دو شاعر به روش توصیفی - تحلیلی مورد خوانش تطبیقی قرار دهد. رویکرد پژوهش، الگوی آمریکایی در مطالعات تطبیقی است که بر مبنای آن، اثرپذیری دو شاعر از یکدیگر یا تعامل ادبی، شرط تحقیق نیست. در این راستا، پرسش پژوهش به شرح ذیل است:

- مهم ترین جنبه‌های وصف شخصیت امام رضا (ع) در شعر دعبل و نظیری کدامند؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

تا کنون پژوهشگران بسیاری درباره جوانب مختلف موضوع مورد بحث قلم فرسایی نموده‌اند که به آثار برخی از آن‌ها اشاره می شود. اژدر فائق (۱۳۸۹) در مقاله «دعبل و محتشم سرآمد مرثیه سرایان» به بررسی و تطبیق آثار این دو شاعر در زمینه مرثیه سرایی برای امامان شیعه پرداخته است و کار دو شاعر را دارای ارزشی یکسان دانسته است. مسبوق و دربادل (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی تطبیقی دو قصیده تائیه دعبل خزاعی و طلّاح بن رزیک در مدح اهل بیت (ع)» به بررسی تطبیقی ساختار و محتوای این دو قصیده و نیز وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها از نقطه نظر لفظ، معنا، موسیقی، صنایع بلاغی و حوادث تاریخی پرداخته‌اند. مختاری و ابراهیمی (۱۳۹۲) در مقاله «بینامتنیت قرآنی و روایی در شعر دعبل خزاعی» پیوندهای بینامتنی وی را از آیات و روایت تبیین کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که اثرپذیری عمیق شاعر به دو شکل مستقیم و پنهانی، انجام گرفته است. بهداروند (۱۳۸۹) در مقاله «محمد حسین نظیری نیشابوری، شاعر شیعه مذهب ایران» ضمن معرفی شخصیت نظیری و آثار و افکار وی، توانایی او در سرایش شعر را هم پایه سعیدی دانسته است. مصطفوی سبزواری (۱۳۹۰) در مقاله «نظیری شاعر سبک هندی و نیشابور» ضمن معرفی نظیری و مختصات سبک شعری او، نوستالژی یاد وطن را یکی از جنبه‌های مهم شعر او دانسته است. روح... هادی (۱۳۸۸) در مقاله «سیمای امام رضا (ع) در شعر پارسی از سنایی تا جامی» ضمن معرفی شاعرانی که دیوان اشعارشان با مدح امام ثامن (ع) زیور یافته، نمونه‌هایی از سروده‌های آن‌ها را تحلیل محتوایی کرده است. با این همه تاکنون پژوهشی تطبیقی در حوزه آثار دو شاعر انجام نشده است.

۲-۱. دعبل خزاعی

دعبل بن علی بن رزین (۱۴۸-۲۴۶ هـ ق) شاعر صاحب طبع و هجوگوی دوره عباسیان است که هیچ امیر و وزیری از هجویات گزنده او در امان نمانده است (اصفهانی، ۲۰۰۰: ۹۴). بنابر قول مشهورتر، او در روزگار امام صادق (ع) در کوفه به دنیا آمده است. از روزگار کودکی اش خبری در دست نیست و معروفیت او به دوره بزرگسالی اش برمی گردد (مسبوق و دریادل، ۱۳۹۱: ۲۲۵). دعبل شاعر توانایی بود که مخالفانش همواره از زبان او بیمناک بودند و خلفا می ترسیدند مبادا به هجو آنان پردازد. وی مردی انتقام جو و هجوگر بود، هیچ چیز او را خشنود نمی ساخت و به ستایش و انمی داشت. از این رو، هرگز از انتقاد و عیب جویی خسته نمی شد (فضل الله، ۱۳۷۷: ۱۴۳). عمده معروفیت او به سبب مدح اهل بیت و هجو دشمنان آن هاست. وی هنگامی که قصیده خود را برای امام رضا (ع) خواند تأثر آن حضرت از شنیدن دو بیت آن آشکار شد:

أرى فيهم في غيهم مُتَقَسِّمًا وَأَيُّدِيهِمْ مِنْ فَيْئِهِمْ صَفِرَاتِ
(الخزاعي، ۱۹۸۳: ۳۱۰)

(ترجمه: میراث آنان را می بینم که در میان دیگران تقسیم شده و دست آن ها از میراثشان، خالی است.)
امام رضا (ع) ده هزار درهم از سکه هایی که نام مبارکش بر آن ها نقش بسته بود، به او هدیه داد و یکی از جامه های خود را به او خلعت داد (قلی زاده، ۱۳۸۰: ۶۶).

۳-۱. نظیری نیشابوری

محمد حسین نظیری از شاعران نام آور سده دهم و اوایل یازدهم هجری است. او در نیشابور به دنیا آمده و در جوانی به کسب ادب پرداخت و شاعری آغاز کرد. شهرت او در خراسان پیچید و به عراق رسید. به دنبال این شهرت خود به عراق رفت و در کاشان اقامت گزید. چون شاعر دوستی دربار گورکانیان هند را دید به دربار آن ها رفت و در احمدآباد گجرات اقامت گزید. در همان شهر به تحصیل عربی و علوم دینی و تفسیر و حدیث پرداخت پس از مدتی گوشه نشینی اختیار کرد؛ اما باز به سرودن مدیحه ادامه داد.

نظیری، شغل زرگری هم داشت و تجارت می کرد. از ممدوحان خود صله های فراوان دریافت می کرد و از ثروتمندان شد. او با بعضی از شعرای معاصر خود معارضه داشت. چون شیعه بود در ستایش بزرگان تشیع اشعاری سروده است. نظیری در نشان دادن عوالم درونی و تصویر حالات

وجدانی مهارت داشته است و چنین به نظر می‌رسد که عشقی که او از آن سخن می‌گوید، از میان جانش زبانه می‌زند، یعنی او تنها توصیف‌کننده عشق نیست، بلکه خود عاشق صادقی است (ر.ک: سبحانی، ۱۳۸۶: ۳۹۸).

نظیری بر مذهب دوازده‌امامی و در عقیدت خود استوار بود و کسانی را که نسبت به دین بی‌اعتنایی می‌نمودند، به بدی می‌نگریست (ر.ک: صفا، ۱۳۶۴: ۹۰۲). تاریخ وفات نظیری را مؤلفان معاصر و بعد از او به تفاوت سال‌های ۱۰۲۱ و ۱۰۲۲ نوشته‌اند و ماده تاریخ‌های که در این راه ساخته شده درستی این تاریخ‌ها را مشخص می‌کند. وی را در محله تاجپوره احمدآباد به خاک سپردند. (ر.ک: همان: ۹۰۱).

۲. پردازش تحلیلی موضوع

نقطه مشترک شعر دعبل و نظیری که دستمایه این پژوهش قرار گرفته، ترسیم خصال نیک و انسانی امام رضا (ع) است؛ اما پیش از خوانش تطبیقی سروده‌ها لازم است به انگیزه دو شاعر در این ارتباط اشاره کوتاهی شود. شعر متعهد دعبل از روی خلوص نیت سرود شده است و گرنه در پهنه تاریخ ادب کم نیستند شاعرانی که در پی به دست آوردن صله یا مقام و منصب، شعر را وسیله در یوزگی قرار داده‌اند. «با دقت در اشعار متین و هدف‌دار دعبل، می‌توان به عظمت اندیشه و تعهد دینی این ادیب مجاهد و سخنور پی برد» (مختاری و ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۵۸). هر چند بنا بر قول «یحیی معروف»، برخی از تاریخ‌نویسان مغرض به جهت دفاع دعبل از حقایق و مظلومیت اهل‌بیت، اتهام تکسب به وسیله شعر را بر او وارد ساخته‌اند (ر.ک: معروف، ۱۳۹۱: ۱۴۰) اما نظیری چنانکه در شرح احوال وی آمده است به رسم شاعران روزگار خویش از رهگذر مدیحه‌سرایی، ثروت و مکنات بسیاری به دست آورده و از شاعران درباری بوده است و به عنوان یک شاعر متعهد اهل‌بیت شناخته نمی‌شود. او فقط در معدودی از قصاید خود به مدح اهل‌بیت پرداخته است.

۲-۱. جنبه‌های مشترک زندگی و شخصیت امام رضا (ع) در شعر دعبل و نظیری

۲-۱-۱. زیارت امام (ع)

یکی از درون‌مایه‌های اشعار مدحی در مورد اهل‌بیت (ع) زیارت است. «اگر حتی یک روایت در فضیلت زیارت معصومان - علیهم‌السلام - صادر نشده بود، ادب در برابر آنان، مؤمنان را وامی‌داشت تا به زیارت حرم‌های مطهرشان مشرف شوند و افزون بر عرض ارادت و شیفتگی خود از دریای

معنویت بی‌بدیل و ناپیدا کرانه آن‌ها، جرعه‌ها نوشند و روح خود را با نزدیک ساختن به آن ارواح بلند و بی‌ظنیر شاداب سازند» (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۰).

نظیری در ابتدای قصیده‌ای که در مدح امام (ع) سروده است به بیزاری از دنیا و خوشی‌های ناپایدار آن اشاره کرده و خود را به مرغ خوش‌الحانی تشبیه کرده است که همشینی و مصاحبت با گل‌های بستان و نیز بزم شاهانه، روح وی را جلالت داد است و تنها راه رهایی خویش از این محنت و رنج دنیا را پناه بردن به درگاه شاه خراسان می‌داند:

مرغ خوش‌الحان دلم غوغای رضوان خوش نکرد
ذوقی و کنج خلوتی از هرچه گویی خوش ترست
زین دل که من در آتشم تا بود آسایش ندید
هم‌نغمه با مرغی نشد گل‌های بستان خوش نکرد
جغد آمد از ویرانه‌ام بزم سلیمان خوش نکرد
زین سر که من سرگشته‌ام تاهست سامان خوش نکرد
(نظیری نیشابوری، ۱۳۷۹: ۳۷۳)

بهر عزیمت طالعم سدره به هر در قرعه زد
غیر از حریم درگاه شاه خراسان خوش نکرد
(همان: ۳۷۴)

او با اینکه در هند با اقبال عمومی مواجه بود و از راه تجارت و صله‌های هنگفتی که می‌گرفت و نیز با وجود زندگی شاهانه‌ای که داشت و دل در گرو عشق زادگاه خود، نیشابور داشت و همواره از زندگی در هند اظهار دل‌تنگی می‌کرد (ر.ک: مصطفوی، ۱۳۹۰: ۱۴۴) و همه این ثروت و مکنّت را در برابر لحظه‌ای زیارت بارگاه امام، هیچ می‌دید:

از باد طوسم تازه کن در آتش هندم مسوز
کز خاک و ابل خاطر م تا آب ملتان خوش نکرد
(نظیری نیشابوری، ۱۳۷۹: ۳۷۳)

او خود را همچون پروانه می‌داند که به شمع شبستان هند و مادیات وابسته شده است ولی در درون، شوق دیدار یار خویش و نیز جنت والا (طواف حرم امام رضا (ع)) را دارد و همواره در ذهن خویش طواف مشهد را خواهان است. در این قصیده از بخت بد خود و اینکه امام او را نمی‌طلبد، نالان است و کوچ خود به هند و ترک همسایگی امام را ناسپاسی می‌خواند:

افتادم از لوٹ هوا دور از طواف مرقدت
از ناسپاسی گشته‌ام محروم از آن جنت بلی
از شوق طوف مشهد بنشینم از سعی و سفر
پروانه آلوده پر شمع شبستان خوش نکرد
آدم اسیر هند شد چون خلد رضوان خوش نکرد
باری به وادی جان دهم گر کعبه قربان خوش نکرد
(همان: ۳۷۶)

دعبل نیز مطلع قصیده معروف تائیه را همانند نظیری در مذمت روزگار و بیزاری از گردش زمانه آغاز کرده است و از شرّ روزگار و مردم و لذت‌های مادی، به آستان مقدّس امام رضا (ع)، پناه آورده است. البته با این تفاوت که شعر اهل بیت دعبل همیشه با لعن و نفرین دشمنان اهل بیت و تبرّی جستن از آن‌ها همراه است در حالی که شعر نظیری، فردی و وجدانی است. دعبل ارادتش به اهل بیت را با دوستی هیچ قوم و گروهی عوض نمی‌کند:

۱. أَلَمْ تَرَ لِلْأَيَّامِ مَا جَرَّ جُورُهَا عَلَى النَّاسِ مِنْ نَقْصٍ وَطُولِ شَتَاتِ؟
۲. وَمَنْ دُوَلِ الْمُسْتَهْتَرِينَ وَمَنْ غَدَا بِهِمْ طَالِبًا لِلنُّورِ فِي الظُّلُمَاتِ
۳. سَوَى حُبِّ آبْنَاءِ النَّبِيِّ وَرَهْطِهِ وَبُغْضِ بَنِي الرَّزْقَاءِ وَ (العَبَلَاتِ)؟

(الخزاعی، ۱۹۸۳: ۲۹۳)

(ترجمه: ۱. آیا نمی‌بینی که از جور روزگار چه آسیب و تفرقه‌ای طولانی بر مردم وارد آمده است؟ ۲. همچنین از دولت‌های هتاک و کسانی که در تاریکی‌ها از آن‌ها طلب نور می‌کنند. ۳. فقط عشق پیامبر (ص) و خاندان او و دشمنی با مروانیان و امویان، چنین ویژگی‌ای ندارد.)

از مشهورترین ابیات دعبل در مدح امام رضا (ع) ابیاتی است که در آن، زیارت امام را یک نیاز بزرگ معنوی برای پیروان اهل بیت می‌داند و با مقایسه امام رضا (ع) و هارون، خیر و شر را در تقابل یکدیگر قرار داده است؛ یکی شریف‌ترین انسان که مرقدش مأوایی برای قلب‌هاست و دیگری شریرترین انسان که قبرش مایه پند و عبرت است:

۱. أُرْبِعُ (بَطُوسٍ) عَلَى قَبْرِ الرُّكِيِّ بِهَا إِنَّ كُنْتَ تَرَعُ مِنْ دِينِ عَلِيٍّ وَطَرِ
۲. قَبْرَانِ فِي (طُوسٍ): خَيْرُ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ وَقَبْرُ شَرِّهِمْ، هَذَا مِنَ الْعَبْرِ

(الخزاعی، ۱۹۸۳: ۱۴۵)

(ترجمه: ۱. اگر در پی خواسته یا هدفی از دین هستی، برای زیارت قبر آن امام پاک‌نهاد در طوس اقامت کن. ۲. در طوس دو قبر است: قبر بهترین انسان زمین و بدترین ایشان و این، از بهر عبرت مردمان است.)

دفن هارون در جوار مرقد امام رضا (ع) نوعی فریب افکار عمومی به منظور مخفی نمودن اعمال ناپسند عباسیان و سرپوش گذاشتن بر آن‌هاست (ر.ک: معروف، ۱۳۹۱: ۱۴۳). دعبل در این بیت به مقایسه بین مقام شریف و والای امام رضا و حاکم مستبدی چون هارون پرداخته است و این نیرنگ را برملا ساخته است.

۲-۱-۲. غربت و شهادت

به سبب غربت و تنهایی امام در هنگام شهادت، شاعران اهل بیت، شهادت ایشان را با سوز و گداز خاصی به تصویر می کشند. هنگامی که امام رضا (ع) به شهادت رسیدند، شاعران بسیاری به مرثیه گویی پرداختند. نظیری، روزگار را در عزای آن امام همام، عزادار می بیند:

حاجی محروم از وطن مسموم غربت بوالحسن کایام بی امداد او شام غریبان خوش نکرد
(نظیری نیشابوری، ۱۳۷۹: ۳۷۴)

او به شکوه و عظمت طوس اشاره می کند که با مقدم امام ثامن همچون گلستانی زیبا پر از ارغوان و لاله گشته است ولی این سرزمین هم با تمام زیبایی خویش نتوانسته محنت و رنج را از وجود ایشان بزدايد:

با آنکه طوس از مقدمت پر ارغوان و لاله شد پای تو را از زحمت خار مگیلان خوش نکرد
(همان: ۳۷۶)

نظیری به ماجرای مسموم ساختن امام رضا (ع) توسط مأمون به وسیله انگور زهرآلود هم اشاره می کند. در دیدگاه او عباسیان با شهادت ایشان نه تنها کام خویش را شیرین نکردند بلکه با عدم حضور امام، عرصه را بر خویشان تنگ تر ساختند:

تا دشمن از زهر عنب کام تو زهرآلود ساخت دل شهد را پر نیش شد نحل عسلشان خوش نکرد
(همان: ۳۷۶)

«دعبل به عنوان یک شاعر آگاه سیاسی، متعهد، علاقه مند به خاندان پیامبر به ویژه امام زمانش، حضرت علی بن موسی الرضا (ع)، آرزومند حاکمیت اسلام و معتقد به ولایت و حکومت امامان معصوم بود و نمی توانست در برابر انتقال امام به خراسان و خاموشی شعله های سرکش قیام های کوفه و مدینه، بی اعتنا باشد. او با سفر اجباری امام رضا (ع) به مرکز خلافت و خالی شدن مدینه از نور وجود حجت خدا، به یاد مظلومیت خاندان عصمت در دو قرن گذشته افتاد و بار دیگر تار و پود جانش در آتش جفاها، ظلم ها و حق کشی هایی که بنی امیه و بنی عباس در طول دو سست سال، بر علی و آل علی (ع) و دودمان امامت روا داشته بودند، سوخت. سوز درونی شاعر در تک تک ابیات این قصیده جاودانه، شعله می کشد» (قلی زاده، ۱۳۸۰: ۵۵). او ماجرای انتقال غریبانه و مهاجرت امام رضا (ع) به طوس را بسیار با

سوز و گداز توصیف کرده و در فراق امام رضا (ع) عاشقانه اشک حسرت ریخته است و در ابیاتی که از سویدای جاننش برمی خیزد، ساکنان طوس را از خوشبخت ترین مردمان به سبب حضور امام می داند:

۱. يَا حَسْرَةً تَتَرَدُّدُ وَعَـبْرَةً لَّيْسَ تَنفَعُ
۲. عَلِيَّ (عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ)
۳. قَضَى غَرِيباً (بَطُّوسِ) مِثْلَ الْحَسَامِ الْمَجْرَدِ
۴. يَا طُوسُ طُوبَاكَ قَدْ صِرَ تِ لَابِنِ (أَحْمَدِ) مَشْهَدِ
۵. وَيَا جُفُوبِي إِسْتَهْلِي! وَيَا فُؤَادِي تَوَقَّظِي!

(الخزاعی، ۱۹۸۳: ۳۳۶)

(ترجمه: ۱. وای از این افسوس مداوم و اشکی که تمام نمی شود. ۲. بر علی بن موسی بن جعفر بن محمد ۳. چون شمشیر برکشیده از نیام در طوس غریبانه شهید شد. ۴. خوشا به حالت ای طوس که محلّ شهادتش شدی. ۵. اشک بریزید ای چشمان من و ای قلب بسوز).

أَقَامَ (بَطُّوسِ) تَلَحُّفَهُ الْمَنَايَا مَزَارَ دُونَهُ نَأَى قَدْوُفِ

(همان: ۳۴۲)

(ترجمه: در طوس در محاصره مرگ ها اقامت گزید، مزارش بسیار دور است.)

او شهادت امام رضا را انتقام خداوند از مردم می داند و به رسم اعراب دعا می کند که بر قبر امام باران بیارد. طلب باران در ادب کلاسیک عربی به مفهوم درخواست نزول خیر و رحمت است. دعبل همچون نظیری به ماجرای مسموم شدن امام و شهادت ایشان در اثر نیرنگ مأمون اشاره می کند:

۱. يَا نَكْبَةً جَاءَتْ مِنَ الشَّرْقِ لَمْ تَتْرَكِي مِنِّي وَلَمْ تُبْقِي
۲. مَوْتُ (عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا) مِنْ سَخَطِ اللَّهِ عَلَيَّ الْخَلْقِ
۳. أَصْبَحَ عَيْبِي مَانِعاً لِلْكَرَى وَأَوْلَعَ الْأَحْشَاءَ بِالْحَقْفِ
۴. سَقَى الْغَرِيبَ الْمُنْتَشِي قَبْرَهُ بِأَرْضِ (طُوسِ)، سَبَلِ الْوُدْقِ

(همان: ۳۴۵)

(ترجمه: ۱. ای نکبت برخاسته از جانب شرق، از من چیزی باقی نگذاشتی. ۲. شهادت امام رضا (ع)، خشم خداوند بر مردمان است. ۳. (اشک) چشمم مانع خواب است و قلب را به تپش درآورد. ۴. ابرهای پرباران، بر آرامگاه دور آن امام غریب ریزان باد.)

أَلَا أَيُّهَا الْقَبْرُ الْغَرِيبُ مَحَلَّةُ (بَطُّوسِ) عَلَيْكَ السَّارِيَاتُ هُنُونُ
فِيَا لِقَتِي غَدْرَةَ قَدْ سَقَيْتُمَا بِهَا السُّمُّ وَالْمَكْرُ الْحَقِيِّي يِينُ

(همان: ۳۵۰)

(ترجمه: ۱. ای آرامگاه تک افتاده در کوی طوس، ابرهای پرباران بر تو ریزان باد. ۲. حسرتا بر شما دو گشته نیرنگ که سم را بر شما نوشاندند و نیرنگ، کاملاً عیان بود.)

۲-۱-۳. کرم و بخشندگی

ذکر مناقب و فضایل امام رضا (ع) همواره یکی از محورهای اصلی در مدایح عربی و فارسی بوده است. فضایی که نظیری، امام رضا (ع) را به آن ستوده، متنوع است اما فضایل اخلاقی ای همچون بخشندگی و کرم، پرسامدترین صفت آن حضرت در شعر نظیری است. فضل و کرمی که امام رضا (ع) دارد، شامل حال همه مسلمانان می گردد. «ایشان به طور کلی دارای شخصیتی یگانه و صفاتی ویژه بوده است و از نظر طایفه امامیه، دارای مرتبه ای است که آنچه نسبت آن به همه رواست به او روا نیست» (فضل الله، ۱۳۷۷: ۴۶). یکی از ویژگی های برجسته امام رضا (ع)، کرم و بخشش ایشان است تا آنجا که می فرماید: «دارنده نعمت، در آزمون بزرگی است زیرا خداوند حقوق خود را در نعمتی که به او داده، واجب ساخته است. به خدا سوگند نعمت هایی از خداوند عز و جل نزد من است و من پیوسته از این بابت بیمناکم تا آنگاه که حقوقی را که خداوند بر من واجب ساخته است ادا کرده باشم» (همان: ۶۵). در اشعار نظیری نیز به کرم و بخشش امام (ع) اشاره شده و بخشش ایشان را همچون ابری وصف کرده که همه کائنات و موجودات از آن بهره مند می گردند:

از فیض اعجاز و کرم باشد مماتش چون حیات
چون ذات واحد حالتش تغییر و نقصان خوش نکرد
از جویبار لطف او سیراب سلطان و گدا
ابریست او بر خار و گل تنها گلستان خوش نکرد
(نظیری نیشابوری، ۱۳۷۹: ۳۷۴)

از رغبت احسان تو امید گل بشکفد
صبح این چنین آیام را پر ذوق و خندان خوش نکرد
(همان: ۳۷۵)

دعبل نیز، همانند نظیری، به رحمت بی کران امام رضا (ع) اشاره دارد. او دست بخشنده امام را به ابری گهربار تشبیه می کند:

لَهُ سَمَحَاءٌ تَغْدُو كُلَّ بَوْمٍ بِنَائِلِهِ وَسَارِيَّةٌ تَطُوفُ

(الخراعي، ۱۹۸۳: ۳۴۲)

(ترجمه: او دست بخشنده ای دارد که هر روز کرمش را جاری می سازد و ابری گهربار که در حال حرکت است.)

۲-۱-۴. علو شأن و منزلت

«امام از نظر دانش، برترین انسان عصر خود بود و در مجالسی که مأمون به جهت زیر سؤال بردن دانش امام با حضور دانشمندان بزرگ تشکیل می‌داد، بخشی از وسعت علم آن حضرت بر دیگران آشکار شد. ابا صلت هروی می‌گوید: «عالم تر از علی بن موسی (ع) ندیدم. همچنین ندیدم عالمی را که با امام ملاقات کند و غیر از این شهادت دهد. مأمون محافل متعددی را که متشکل از علمای ادیان گوناگون بود، تشکیل می‌داد. آن حضرت در مناظرات بر همه آن‌ها غلبه می‌کرد و آنان در برابر آن علم گسترده، تواضع و خشوع می‌کردند» (حسینی علایی، ۱۳۸۲: ۱۷).

نظیری، مقام و منزلت والای امام (ع) را در اشعارش ترسیم کرده است. دنیا و نعمت‌های بی‌انتهای آن در مقابل نگاه ایشان از نظر شاعر بی‌ارزش است. او ماجرای پیشنهاد ولایت‌عهدی که مأمون به امام رضا (ع) داد را نوعی فریب برای هم‌سو کردن افکار عمومی و مشروعیت بخشیدن به دستگاه حاکمه خود از سوی مأمون می‌داند:

دستی نیالودش به خون لب از نمکدان خوش نکرد
الوان نعمت چیده شد یک تره از خوان خوش نکرد
محو شهودش بود دل این خوش مگردان خوش نکرد
آن نظم را کلک قضا در سلک دیوان خوش نکرد
آن دور برهم خورده شد کس طبع دوران خوش نکرد
بر روی اولاد بشر حق خال عصیان خوش نکرد
جز سینه مادر بلی موسی عمران خوش نکرد

(نظیری نیشابوری، ۱۳۷۹: ۳۷۵)

شیرین و شور بحر و بر دنیا کشیدش در نظر
دنیا برو یک‌روزه شد آن روز هم در روزه شد
مأمون جمال و جاه و جا بهر فریش عرض کرد
نظمی که نی بر رسم تو طبع جهان داد انتظام
دوری که پرگارش روش بر مرکز امرت نکرد
جرمی که آدم کرده بود از آب رویت شسته شد
از نواف دنیا زادی و بر صدر دنیا آمدی

در نگاه نظیری، امام همچون جد بزرگوارشان رسول خدا در مرکز دایره هستی قرار دارند و به خاطر آبرو و منزلتشان خطای حضرت آدم (ع) نیز بخشیده شده است. دعبل هم مقام امام را بلندمرتبه‌تر از بلندترین قله‌ها می‌داند و زمین و آسمان و ستارگان را در سوگ ایشان عزادار می‌بیند:

۱. أَلَا مَا لِعَيْنِي بِالدُّمُوعِ اسْتَهَلَّتِ
 ۲. عَلَى مَنْ بَكَتُهُ الْأَرْضُ وَاسْتَرْجَعَتْ لَهُ
 ۳. وَقَدْ أَعْوَلَتْ تَبْكِي السَّمَاءَ لِقَدَمِهِ
 ۴. فَنَحْنُ عَلَيْهِ الْيَوْمَ أَجْدُرُ بِالْبَكَاءِ
- وَلَوْ نَفِدَتْ مَاءُ الشُّؤُونِ لَقَلَّتِ؟
رُؤُوسَ الْجِبَالِ الشَّامِحَاتِ وَذَلَّتِ
وَأَجْمُهَا لِأَحْتِ عَلَيْهِ وَكَأَلَّتِ
لِمَرَزْنَهَةِ عَزَّتْ لَدِينَا وَجَلَّتِ

(الخزاعی، ۱۹۸۳: ۳۲۰)

(ترجمه: ۱. چشم مرا چه می شود که اشک جاری می سازد و اگر اشک از چشمه اش بخشکد، باز هم کم است. ۲. بر آن امامی که زمین بر او می گرید و قلّه های بلند بر او زاری می کنند و در برابرش سر تعظیم فرود می آورند. ۳. آسمان هم در سوگ او زاری می کند و ستارگان در نورافشانی بر او خسته می شوند. ۴. شایسته است امروز بر این مصیبت بزرگ گریه کنیم.)

۱. لَقَدْ رَحَلَ (اِنَّ مُوسَى) بِالْمَعَالِي وَ سَارَ بِسَيْرِهِ الْعِلْمُ الشَّرِيفُ
 ۲. تَرَى سَكَاتَهُ فَتَقُولُ: غِرٌّ وَ حَسَبْتَ سُكُونَهُ رَأْيَ تَقِيْفُ

(همان: ۳۴۲)

(ترجمه: ۱. علی بن موسی (ع) با شهادتش، بزرگواری را نیز با خود برد و علم ارزشمند نیز با رفتن او به پایان رسید. ۲. فضایلش را که می بینی با خود می گویی شخصیتی درخشان دارد و آرامش و متانتش با تدبیری محکم همراه است.)

از دیدگاه دعبل تمام جهانیان و کائنات در برابر علم امام رضا (ع) سر تعظیم و ارادت فرود آورده اند و بعد از شهادت امام، تمامی بزرگواری ها و علم و دانش به عدم و فنا رسیده اند.

۲-۱-۵. دادخواهی

از آنجا که امامان معصوم به عنوان اسوه های عدالت مشهورند، مردم از جور حاکمان به محضر آن ها پناه می برند. یکی از ویژگی های امامان معصوم (ع)، عدالت به ویژه عدالت، اجتماعی، است. نظیری نیز بر همین جنبه شخصیتی امام تأکید می کند و عدالت او را تنها دواي درد دردمندانی می داند که از ستم حاکمان به تنگ آمده اند:

جز ریش های ظلم را عدلت چو مرهم به نساخت جز مبتلای درد را لطفت چو درمان خوش نکرد

(نظیری نیشابوری، ۱۳۷۹: ۳۷۵)

دعبل در «تائیه کبری» اهل بیت (ع) را حامی رنج کشیدگان و یاور محرومان معرفی می کند که حاضرند برای برقراری صلح و آرامش، دیه کشته شدگان را بپردازند و عدالت و انصاف بین مردم برقرار سازند:

بِنَفْسِي أَنْتُمْ مِنْ كُفُولٍ وَفِيَّةٍ لِفَكِّ عُنَاةٍ أَمْ لِحُمَلِ دِيَاتِ

(الخزاعي، ۱۹۸۳: ۳۰۹)

(ترجمه: به جانم سوگند شما (اهل بیت)، پیر و جوانان آمده اید برای رها ساختن رنج کشیدگان و پرداخت خون بها.)

پرداخت خون بهای کشته شدگان، اشاره به سنت حسنه برقراری صلح بین دو طرف جنگ دارد که معمولاً انسان های خیر خواه به آن اهتمام می ورزیدند. نمونه آن، پرداخت غرامت از سوی دو تن از

معمدین دوره جاهلی در یک جنگ طولانی است که دستمایه سرودن یکی از مشهورترین قصاید دوره جاهلی یعنی معلقه زهیر بن ابی سلمی شده است. بیت انتهایی، اشاره ظریفی است به انتقاد دعبل از ناتوانی خلفای عباسی در اداره امور و نشان‌دهنده رسالت اجتماعی او در قبال ظلم و جور حاکمان است که از «ویژگی‌های اختصاصی شعر دعبل است زیرا چه بسا شاعران معاصر او بودند که شاهد همین ظلم و جور و انحراف بودند اما از ترس جان یا در طمع رسیدن به جاه و مقام، دم برنیاوردند» (طالبی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴).

وجه تفاوت نظیری با دعبل در این ارتباط این است که نظیری چون خودش وابسته به دربار پادشاهان بود اشاره‌ای کلی به ظلم و جور داشته است اما چنانکه مشهور است، دعبل با جسارت تمام، مستقیماً از استبداد خلفای عباسی انتقاد می‌کند و به تهدید آن‌ها می‌پردازد (ر.ک: همان).

۲-۱-۶. شفاعت خواهی از امام

توسل و شفاعت خواهی همواره یکی از مضامین عمده مدح امامان بوده که غالباً مدیحه‌سرایان پس از ستایش خداوند، قصاید خود را بدان متبرک نموده و شفاعت بزرگان دین را به عنوان پاداش اظهار ادب و ارادت خویش قلمداد کرده‌اند. در روایات نیز به شفاعت غیر خدای متعال اشاره شده است. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «من شفاعتم را برای گنه‌کاران اتمم ذخیره کرده‌ام» (علوی مهر، ۱۳۸۵: ۴۳)

در روایتی، امام رضا (ع) از پدرش و او از جدش امام علی (ع) و او از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «اذا كان يوم القيامة إلینا حساب شیعتنا» (ترجمه: در روز قیامت، حساب پیروان ما به ما واگذار می‌شود، حساب شیعیان ما به ما واگذار می‌شود). (همان: ۴۰).

نظیری نیز که یکی از پیروان اهل تشیع است، به پیروی از اسلاف خود به شدت به این امر پایبند است و پاره‌ای از مدایح خود را بدان اختصاص داده است تا در برابر گناہانی که به اعتقاد او از بخشش فراتر است بدان چنگ زند و آنگاه که صالحان و پرهیزکاران با توشه عمل نیک در پیشگاه خدا و رسول حضور می‌یابند، او سروده‌های خویش را همراه با اشک ندامت تقدیم نماید و خود را در پناه عزت و قدرت حضرتش جای دهد. او معیار و ملاک سنجش اعمال انسان در قیامت را اعمال آن امام همام می‌داند:

شاهی که در روز جزایی وزن بار مهر او سنجیدن طاعات را از ننگ میزان خوش نکرد

(نظیری نیشابوری، ۱۳۷۹: ۱۰)

نظیری همواره به شفاعت امام رضا (ع) و درگاه ایشان چشم امید داشته است و کارنامه اعمال غرق در گناه خویش را غم نامه درد می نامد:

ای جرم شوی صد جهان همچون «نظیری» ز آب عفو آلوده عصیان شدم صورت مرا زان خوش نکرد
رخسار خاکی بر درت مژگان خونین عرضه کرد غم نامه درد مرا از وضع عنوان خوش نکرد

(همان: ۳۷۶)

دعبل نیز، شفاعت امامان و پیامبر (ص) را صله و پاداش خودش در روز قیامت به شمار می آورد. او ترس و ناامنی در زندگی دنیوی را در راه بهشت برین به جان می خورد و نیز همواره امید دارد که اهل بیت او را مقرون لطف و رحمت خویش قرار خواهند داد:

فَلَا يَبِي مِنَ الرَّحْمَنِ أَرْجُو مُجِبِّهِمْ حَيَاةً لَدَى الْفِرْدَوْسِ غَيْرَ بَيَاتِ

(الخرزاعي، ۱۹۸۳: ۳۱۳)

(ترجمه: من با عشق و ورزیدن به اهل بیت امید زندگی مداوم در بهشت را دارم.)

۱. لَقَدْ حَفَّتْ فِي الدُّنْيَا وَأَيَّامِ سَعْيِهَا وَأَيَّ لَأَرْجُو الْأَمْنَ بَعْدَ وَفَايِ
۲. أَلَمْ تَرَ أَيَّ مِنْ ثَلَاثِينَ حِجَّةً أَرْوَحُ وَأَغْدُو دَائِمَ الْحَسْرَاتِ

(همان: ۳۱۰)

(ترجمه: ۱. در دنیا به گاه سعی و تلاش زندگی با ترس زیستم و بعد از مرگم، امید امنیتی خاطر دارم. ۲. نمی بینی که سی سال است پیوسته حسرت به دل، روزگار سپری می کنم؟)

نتیجه

۱. هر دو شاعر ارادت به امام (ع) را بر همه لذت های مادی ترجیح می دهند با این تفاوت که دعبل از سوی دشمنان امام تحت تعقیب بود اما نظیری از ثروت و مکت فراوان برخوردار بوده و مانند دعبل تحت فشار حاکمان نبوده است.

۲. دعبل و نظیری هر دو امام را به صفت کرم و بخشنده ستوده اند با این تفاوت که ذکر کرامت امام در شعر نظیری بسامد بیشتری دارد.

۳. هر دو شاعر، شأن و منزلت والای امام را به تصویر کشیده و در نگاه هردو، امام رضا (ع) همچون سایر اهل بیت در مرکز دایره امکان قرار دارند و همه کائنات در مرتبه پایین تری از او قرار دارند.

۴. یکی از جنبه های مشترک شخصیت امام که دو شاعر آن را ترسیم کرده اند، عدالت حضرت و امید مردم به رهایی از مشکلاتشان به وسیله ایشان است. این امر نشان دهنده این حقیقت است که مردم در روزگار امامت ایشان، دستگاه حکومت عباسیان را نامشروع می دانستند.

۵. دعبل و نظری به شکلی همانند، به عنوان حسن ختام اشعارشان به مضمون شفاعت خواهی از امام (ع) پرداخته‌اند که این امر می‌تواند یک پایان‌بندی مناسب تلقی شود چراکه اشعار متعهد و توسل به ائمه، معمولاً با دعا و شفاعت خواهی پایان می‌پذیرد و در واقع این اشعار وسیله‌ای برای توسل این شاعران به درگاه پاک خاندان عصمت و طهارت و دستاویزی برای رهایی از لذت‌های دنیا و شفاعت در جهان آخرت است.

کتابنامه

الف: کتاب‌ها

۱. الاصفهانی، ابو الفرج (۲۰۰۰)؛ *الأغاني*، تحقیق: یوسف البقاعي و غرید الشیخ، المجلد ۲۰، بیروت: مؤسسه التور.
۲. الخزاعی، دعبل (۱۹۸۳)؛ *شعر دعبل الخزاعی*، شرح عبد الکرم الأشتی، دمشق: مجمع اللغة العربية.
۳. زرین کوب، عبد الحسین (۱۳۶۳)؛ *شعری دروغ شعری نقاب*، چاپ چهارم، تهران: جاویدان.
۴. سبحانی، توفیق (۱۳۸۶)؛ *تاریخ ادبیات ایران*، تهران: زوار.
۵. صفاء، ذیح الله (۱۳۷۸)؛ *تاریخ ادبیات در ایران*، جلد ۲، تهران: فردوس.
۶. فضل الله، محمد جواد (۱۳۷۷)؛ *تحلیلی از زندگانی امام رضا (ع)*، ترجمه سید محمد صادق عارف، مشهد: آستان قدس رضوی.
۷. قلی‌زاده، مصطفی (۱۳۸۰)؛ *دعبل خزاعی (شاعر دار بر دوش)*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۸. کفافی، عبدالسلام (۱۳۸۲)، *ادبیات تطبیقی (پژوهشی در باب نظریه ادبیات و شعر داستانی)*، ترجمه سید حسین سیدی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۹. نظری نیشابوری، محمد حسین (۱۳۷۹)؛ *دیوان*، تصحیح محمد رضا طاهری، تهران: نگاه.

ب: مجلات

۱۰. جعفریان، رسول (۱۳۸۲)؛ «مروری اجمالی بر منقبت امامان علیهم السلام»، *مجله مشکوة*، ش ۷۸، صص ۷۸-۱۰۰.
۱۱. حسینی، سید علی (۱۳۸۶)؛ «فرهنگ و ارزش فضیلت و پاداش زیارت امام رضا - علیه السلام»، *مجله فرهنگ جهاد*، شماره ۵۰، صص ۲۰-۴۹.
۱۲. حسینی علایی، محمد ناصر (۱۳۸۲)؛ «سیره معصومین: امام رضا (ع)»، *مجله رشد آموزش معارف اسلامی*، شماره ۵۱، صص ۱۳-۱۹.
۱۳. طالبی قره‌قشلاقی، جمال؛ عبدالغنی ایروانی‌زاده و نصرالله شاملی (۱۳۹۱)؛ «السخرية السياسية في شعر دعبل الخزاعي»، *مجله الجمعية الإيرانية للغة العربية وآدابها*، العدد ۲۵، صص ۱-۲۲.

۱۴. علوی مهر، حسین (۱۳۸۵)؛ «منزلت امامان شیعه (ع) و چگونگی حسابرسی مردم در قیامت»، فصلنامه شیعه شناسی، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۳۶-۵۵.
۱۵. مختاری، قاسم و ابراهیم ابراهیمی (۱۳۹۲)؛ «بینامتنیت قرآنی و روایی در شعر دعبل خزاعی»، فصلنامه پژوهش های ادبی - قرآنی، سال اول، شماره ۱، صص ۵۳-۵۷.
۱۶. مسبوق، مهدی و اعظم دریادل موحد (۱۳۹۱)؛ «بررسی تطبیقی دو قصیده تائیه دعبل خزاعی و طلائع بن رزیک در مدح اهل بیت (ع)»، نشریه ادب عربی دانشگاه تهران، شماره ۳، صص ۲۲۳-۲۴۶.
۱۷. مصطفوی سزوار، رضا (۱۳۹۰)؛ «نظیری شاعر سبک هندی و نیشابور»، فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال سوم، شماره ۸، صص ۱۳۹-۱۵۰.
۱۸. معروف، مجیبی (۱۳۹۱)؛ «شخصیة دعبل الخزاعي من خلال التناقضات»، فصلیة إضاءات نقدیة، السنة ۲، العدد ۸، صص ۱۳۳-۱۴۷.
۱۹. منوچهریان، علیرضا (۱۳۹۰)؛ «رؤیای ادبیات تطبیقی»، نشریه ادبیات تطبیقی دانشگاه کرمان، شماره ۴، صص ۲۰۷-۲۲۶.

معالم شخصيَّة الإمام رضا (ع) في أشعار دعبل الخزاعي ونظيري النيشابوري (دراسة مقارنة)^١

علي أكبر احمدي چناري^٢

أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة زابل، إيران

پريسا احمدي^٣

طالبة ماجستير في فرع اللغة الفارسية وآدابها، جامعة زابل، إيران

الملخص

قام عدد غير قليل من أدباء الأدب الفارسي والعربي بتعداد مناقب أهل بيت الرسول (ص) وفضائلهم في أشعارهم الرأية وعرفوهم كنماذج بشرية رائعة تُقتدى. رسم الشاعر العباسي الشهير دعبل الخزاعي وكذلك الشاعر الإيراني السائر على المنهج الهندي في الشعر الفارسي جوانب مختلفة ومتعددة لشخصية الإمام رضا (ع) التزاماً بحبهما لأهل بيت النبي (ع). يرمي هذا المقال إلى إجراء دراسة مقارنة من الشعارين المذكورين توثق اعتماداً على المنهج الوصفي - التحليلي. وقد تبين من خلال البحث أنّ الإمام رضا (ع) يُعتبر في نظرة الشعارين أسوة حسنة وقدوة صالحة للبشرية جمعاء. من الجدير ذكره أنّ دعبلاً على مستوى أعلى من نظيره الإيراني من حيث الالتزام بولاء أهل البيت (ع) والدفاع عن حقوقهم السلبية. إلا أنّ كلا الشعارين استخدم الشعر كأداة للوصول إلى الشفاعة في يوم الجزاء.

الكلمات الدلّية: الدعبل الخزاعي، نظيري النيشابوري، الإمام رضا (ع)، الشعر الملتزم بحب أهل البيت (ع)، الشفاعة.

١. تاريخ الوصول: ١٣٩٤/١١/٢٥

٢. تاريخ الوصول: ١٣٩٤/٨/٢٠

٣. العنوان الإلكتروني للكاتب المسؤول: ahmadichenari54@yahoo.com

العنوان الإلكتروني: parisaaahmadi66@yahoo.com

